



جامعہ شناسے پارتو چار چوبے براک روان شناسے سیاسے

نوشتہ

السدير جی. مارشال

ترجمہ

قربانعلی قربانزادہ سوار (عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (عج) و امیر محمد یزدی

سرشناسه	: مارشال، السدر جیمز، ۱۹۶۸- م. Marshall, Alasdair J. (Alasdair James), 1968
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه‌شناسی پارتو؛ چارچوبی برای روان‌شناسی سیاسی/نوشته السدر جی. مارشال؛ ترجمه قربانعلی قربانزاده‌سوار و امیرمحمد ایزدی.
مشخصات نشر	: قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۵۰۳۴۹۸۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیها
یادداشت	: عنوان اصلی: Vilfredo Pareto's sociology : a framework for political psychology, 2007.
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: چارچوبی برای روان‌شناسی سیاسی.
موضوع	: پارتو، ویلفردو، ۱۸۴۸ - ۱۹۲۳ م.
موضوع	: Pareto, Vilfredo
موضوع	: جامعه‌شناسی -- فلسفه
موضوع	: Sociology -- Philosophy
شناسه افزوده	: قربانزاده سوار، قربانعلی، ۱۳۴۱-، مترجم
شناسه افزوده	: ایزدی، امیرمحمد، ۱۳۶۶-
شناسه افزوده	: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
شناسه افزوده	: Imam Khomeini International University
رده بندی کنگره	: ۵۸۵HM
رده بندی دیویی	: ۳۰۱/۰۹۲
شماره	: ۵۷۲۸۸۰۱
کتابشناسی ملی	

مشخصات کتاب

عنوان	: جامعه‌شناسی پارتو؛ چارچوبی برای روان‌شناسی سیاسی
نویسنده	: السدر جی. مارشال
مترجم	: قربانعلی قربانزاده سوار و امیرمحمد ایزدی
صفحه‌آرا	: لیلا طهماسب‌خانی
ناظر فنی	: حمید کلهر
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۵۰۳۴۹۸۲
نوبت چاپ	: نخست ۱۳۹۸
قیمت	: ۳۵۰۰۰ تومان
شمارگان	: ۵۰۰ جلد
ناشر	: انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، تلفن ۳۳۹۰۱۴۲۶ - ۰۲۸	

فهرست مطالب

پیشگفتار ویراستار مجموعه.....	۱.....
دیاچه مؤلف.....	ش.....
فصل اول : مقدمه.....	۱.....
فصل دوم: جامعه‌شناسی روان‌شناختی پارتو.....	۱۱.....
۱-۲. پارتو و مارکس.....	۱۳.....
۲-۲. نظریه نخبگان پارتو.....	۱۴.....
۳-۲. زندگی‌نامه مختصر پارتو.....	۱۵.....
۴-۲. ایتالیای دوران پارتو: حامی‌پروری و تحول‌گرایی.....	۱۸.....
۵-۲. پارتو و ماکیاولی: نظریه‌های مشابه در مورد طبیعت انسان.....	۲۷.....
۶-۲. چرخه تاریخی پارتو و گردش نخبگان.....	۳۳.....
۷-۲. پارتو و پارسونز: نظریه مشابه پیرامون نظام‌های اجتماعی؟.....	۴۱.....
۸-۲. باقیمانده‌های پارتو.....	۴۸.....
۹-۲. نتیجه: جامعه‌شناسی سیاسی پارتو.....	۵۲.....
فصل سوم: شخصیت اجتماعی.....	۵۵.....
۱-۳. مقدمه.....	۵۷.....
۲-۳. شخصیت اجتماعی.....	۶۰.....
۳-۳. عدم قطعیت شناختی.....	۶۷.....
۴-۳. ابتکارات محافظه‌کاران و لیبرال‌ها در شرایط عدم قطعیت.....	۷۸.....
۵-۳. تکامل دانش از طریق آزمون و خطا.....	۸۲.....
۶-۳. پیچیدگی اجتماعی.....	۸۸.....
۷-۳. نتیجه.....	۹۹.....
فصل چهارم: روان‌شناسی پارتو.....	۱۰۱.....
۱-۴. مقدمه.....	۱۰۳.....
۲-۴. محافظه‌کاری فرهنگی و شکاکیت لیبرال.....	۱۰۷.....
۳-۴. فردگرایی و جمع‌گرایی.....	۱۱۵.....
۴-۴. خلاقیت.....	۱۲۷.....
۵-۴. مخاطره.....	۱۳۹.....
۶-۴. اجبار و فریب.....	۱۴۹.....
۱-۶-۴. اجبار.....	۱۵۰.....
۲-۶-۴. فریب.....	۱۵۸.....
۳-۶-۴. تثلیث تاریک و نیرومندی فراخود.....	۱۷۲.....
۴-۶-۴. ظهور تثلیث تاریک؟.....	۱۷۵.....
۷-۴. راست‌خیز و نسبی‌نگری ایدئولوژیک.....	۱۸۴.....
فصل پنجم: آزمون نظریه پارتو.....	۱۹۳.....
۱-۵. مقدمه.....	۱۹۵.....

۱۹۶	۵-۲. مطالعه دانشجویان
۲۰۳	۵-۳. مطالعه اعضای پارلمان: انتخاب متغیر
۲۰۷	مقیاس پرخاشگری
۲۰۸	مقیاس کانون کنترل
۲۰۹	مقیاس تجربه‌های گسستی
۲۱۳	۵-۴. تحلیل مقیاس
۲۱۴	۵-۵. تنوع جمعیت
۲۱۵	۵-۶. مقایسه سه حزب پارلمانی
۲۲۷	۵-۷. ارشدیت در پارلمان
۲۳۲	۵-۸. آیا یافته‌ها از مدل شخصیت پارتو پشتیبانی می‌نماید؟
۲۳۳	۵-۸-۱. مقدمه
۲۳۴	۵-۸-۲. محافظه‌کاری - لیبرالیسم
۲۳۴	۵-۸-۳. فردگرایی - جمع‌گرایی
۲۳۵	۵-۸-۴. گسستگی، پرخاشگری و سردی
۲۳۵	۵-۸-۵. آیا این دسته‌ها پیکربندی شخصیتی گسترده‌تری را شکل می‌دهند؟
۲۴۰	۵-۸-۶. تحلیل جمع‌شناسی
۲۴۲	۵-۹. نتیجه نهایی
۲۴۷	منابع و ماخذ
۲۶۵	نمایه

پیش‌گفتار ویراستار مجموعه^۱

یک دست‌نوشته یازده صفحه‌ای با عنوان: «یک سکوت مطلوب هرگز نگاشته نشده است»^۲ متعلق به پارتو (۱۹۲۳-۱۸۴۸)، به مثابه بخشی از یک مجموعه شامل تعدادی مقوله‌های جدا از هم که با موضوع علم‌الاجتماع ریاضی تدوین شده، اخیراً در لندن زیر چکش مزایده حراجی^۳ قرار گرفت. دست‌نوشته مذکور - مقاله انتقادی مبسوط که در سال ۱۹۰۹ به ایتالیایی و در سلیگنی^۴ نوشته شده - بخشی از مجموعه^۵ شناخته‌شده نامه‌ها و نسخ خطی آلبین شارم^۶ بود که دارای بیش از ۵۰۰ قطعه بود و مجموعاً به مبلغ بیش از ۳٫۸ میلیون پوند فروخته شد. در آن‌جا تعدادی اقلام مورد علاقه علوم اجتماعی، شامل نامه‌های ماکس وبر و آدورنو وجود داشت. این اقلام اغلب با قیمت تقریبی دو برابر تخمین‌های خود، فروخته شد، اما با این وجود، قیمت‌های نهایی آن‌ها به مراتب کمتر از آن چیزی است که برای دیگر اقلام - به ویژه اقلام ادبی یا تاریخی یا علمی طبیعی - پرداخت شده است. دست‌نوشته پارتو احتمالاً از طریق معامله‌ای در ایتالیا در سال ۲۰۰۳ به مجموعه شارم راه یافت.

از مثال «ارزش» یک سند جامعه‌شناسی تاریخی می‌خواهم جهت واکاوی «ارزش» اختصاص یافته به جامعه‌شناسی کلاسیک در رشته جامعه‌شناسی و واکاوی این مطلب استفاده کنم که تا چه حد، ارتباط جامعه‌شناسی با سنت کلاسیک، بُعدی از تاریخ این رشته یا به‌خودی خود، بُعدی از یک اقدام نظری است که گذشته و حال در آن، کمابیش با هم تداخل دارند. این دل‌مشغولی‌ها آشکارا در ارتباط با سلسله بازاندیشی ما نسبت به جامعه‌شناسی کلاسیک است.

آیا این واقعیت که دست‌نوشته پارتو همراه با سایر دست‌نوشته‌های علوم اجتماعی، به مراتب کمتر از قطعات ادبی - مثلاً نامه تسلیت جان دان^۷ یا در واقع، سایر قطعه‌های تاریخی یا علمی - خریداری شده‌اند، نشانه‌ای از فقدان علاقه عمومی به جامعه‌شناسی یا در واقع، عدم درک تأثیرات تاریخی بر اندیشه و نهادها و سیاست‌های علوم اجتماعی در دنیای مدرن است؟ البته، حتی آن فقراتی از یک گونه علمی - به‌عنوان مثال، آثار داروین همانند فروید به قیمت بالایی سفارش داده شد - که فروش آن در مزایده به «خوبی انجام گرفته است»، عملاً آن دسته از نظریه‌های علمی را دربر نمی‌گرفت که این نویسندگان، مسئول آن هستند. در عوض، ارزش آن کار علمی ناشی از وابسته‌سازی بود: این‌ها برگه‌هایی از سوی

1. Series Editor's Preface

2. *Un bel tacer fu mai scriiton*

3. Christies

4. *Céligny*

5. collection

6. Albin Schram

7. John Donne

افراد مشهوری بودند که مشاهده و لمس شده و بر روی آن‌ها نوشته شده‌اند و درون رشته‌هایی که داروین و فروید «بنیان نهادند» میراث آن‌ها بدون انتقاد شدید نیست. بدین معنا که فقدان ارج و اعتبار معاصر نسبت به هر ایده‌ای که اینان صورت‌بندی نموده‌اند با ارزش بالای دستاوردهای آنان هم‌خوانی ندارد.

این اقلام دارای «ارزش» متفاوت برای مجموعه‌دارهای^۱ خصوصی بود - این یک مزایده و حراجی برای دانشگاهیان نبود، گرچه بدون تردید برخی از آن‌ها نیز در این مزایده حضور داشتند؛ اما وجه مشترک آنان در تعیین ارزش اقلام مذکور عبارت از مفاهیم قدمت، اعتبار، و زمان مقتضی محتوا (برای مثال، بهترین نمونه‌ها از گونه‌های آن‌ها) بود. نادر بودن در تعیین قیمت نهایی نقش دارد اما مجموعه‌دار به سمت تصاحب آن‌چه وجود دارد برانگیخته می‌شود، نه به دلیل آشنایی با محتوا، بلکه برای تصاحب آن - چه به لحاظ ذهنی عتیقه می‌پندارد.

در رشته جامعه‌شناسی چه اصول ارزش‌گذارانه در رابطه با متون قدیمی به کار می‌رود که از دوره‌های زمانی بنیادین این رشته به‌شمار می‌رود؟ تا آنجا که می‌دانم، کتابداران علوم اجتماعی در این رشته وجود ندارند که از طرف نهادها یا رشته‌های خود در مزایده شرکت کنند. از این‌رو، نامه‌ها و دست‌نوشته‌های علوم اجتماعی در بیشتر موارد به دست مجموعه‌دارهای خصوصی افتاده است. کدام یک از عوامل قدمت، اعتبار و سفیدت، اهمیت تأثیر گذشته یا پتانسیل آن‌ها برای تئور افکار معاصر در بالابردن وزن ارزش متون و ایده‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، نقش بازی می‌کنند؟ آیا مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک، بخشی از قرائت تاریخ این رشته یا بخشی از نظریه اجتماعی یا روش‌شناختی وابسته به موضوعات قائم‌به‌ذات گذشته و حال یا ترکیبی از همه این دل‌مشغولی‌ها است؟ در این دیباچه به ارائه برخی پاسخ‌های مربوط به سؤالات مذکور می‌پردازم.

گاهی اوقات، جامعه‌شناسان در ارتباط با وضعیت غامض جامعه‌شناسی کلاسیک، با انتخاب یک گزینه مواجه می‌شوند: دل‌مشغولی ناشی از درگیر شدن با دنیای واقعی (مسائل و دل‌مشغولی‌های نوعی معاصر و جاری) یا درگیر شدن با متون دوران گذشته. زمینه انتخاب هر یک از این گزینه‌ها آشکارا ناشی از وضعیت منابع محدود یا برنامه زمانی محدود است. از این‌رو، از محققان خواسته می‌شود تا دست به انتخاب زده یا اولویت‌بندی کنند و نهایتاً نتیجه با توجه به تعهدات حرفه‌ای و ارزش‌مدارانه بیشتر جامعه‌شناسان نسبت به توضیح و روشن ساختن اگر نه بهبود و چاره‌اندیشی برای شرایط جاری حاصل می‌شود. با این حال، دست زدن به این انتخاب در چنین شرایطی عملاً فهم ذات و نقش جامعه‌شناسی کلاسیک و همچنین ماهیت قرائت‌های معاصر جامعه‌شناختی را دچار سوءفاهم می‌کند. برای مثال، مطالعه و درک متون کلاسیک بدون درگیر شدن با «دنیای واقعی» امکان‌پذیر نیست؛ زیرا لااقل مواردی که مستلزم تفسیر و درک متن هستند تن‌ها می‌توانند از «جهان واقعی» منتج شوند و بنابراین، چشم‌پوشی از دنیای واقعی، تفسیر را محدود می‌سازد. درک بهتر فرد از دنیای واقعی، درک بهتر از یک نویسنده کلاسیک را به همراه دارد. به همان اندازه، یک محقق جامعه‌شناس خام و بی‌تجربه هنگام نظر افکندن به

«دنیای واقعی» در انزوای آشکار از سنت کلاسیک، وجود ایده‌های متنوع را در آثار جامعه‌شناس کلاسیک غالباً ناآگاهانه انکار می‌کند.

تمایز بین «دنیای واقعی» و «متون کلاسیک» به دلیل ایجاد گسست بین گذشته و حال تشویق نمی‌شود که با گذشت زمان کمابیش دیگر نمی‌توان بین آن‌ها پل زد. به هر حال، هنگامی که این مسأله جزء دل‌مشغولی رشته جامعه‌شناسی گردد، کلاسیک‌ها تبدیل به معاصران می‌شوند؛ این متون احتمالاً پیش از شروع مدرنیته ارائه شده و به واسطه شکاف عظیم زمانی و فرهنگی از ما جدا می‌شوند. به هر حال، درون جامعه‌شناسی، ایده‌هایی وجود دارد که بر شکاف گذشته و حال اصرار ورزیده و در درگیر شدن با جامعه‌شناسی کلاسیک تردید ایجاد می‌کند.

تالکوت پارسونز زمانی با کنایه‌ای مشهور پرسید: در عصر حاضر چه کسی آثار هربرت اسپنسر را مطالعه می‌کند؟ این پرسش، شگفت‌آور به نظر رسید چرا که او آشکارا آثار اسپنسر را مطالعه کرده بود و همچنان به مطالعه در طول حرفه خویش ادامه داد و تحت تأثیر او قرار گرفت و همچنین تصور و درک خود از برداشت اسپنسر در باب جامعه‌شناسی تکاملی را متمایز ساخت. جامعه‌شناسی پارتو با اثر ۱۹۳۷ پارسونز با عنوان نظریه کنش جمعی نیز مرتبط بود. در واقع، چنان که بخش‌هایی از متن ۱۹۳۷ او نشان می‌دهد، پارسونز آثار پارتو را به‌دقت خوانده بود و ویژگی‌های مهمی از نظام خاص پارسونز نیز بسیاری از مفسران را به ترسیم تأثیرات پارتو بر پارسونز ترغیب می‌نماید. با این حال، این پرسش مهم است: امروزه چه کسی آثار پارتو را می‌خواند؟ ما باید ممنون ^۱الاسد مارشال نویسنده کتابی باشیم - که این متن، دیباچه‌ای بر آن می‌باشد - که آثار پارتو را مطالعه کرده است. جهت تعیین این موضوع که بازخوانی آثار پارتو در پرتو مسائل معاصر چه روش‌ها، اهداف و موفقیت‌هایی را در بر می‌گیرد، از خواننده دعوت می‌کنم تا کار او را دنبال کند.

اگر مجاز باشیم یک اصل پارتویی را اقتباس کنیم که سابقاً در اقتصاد رفاه استفاده شده، می‌توان گفت اگر لااقل یک نفر از اثر مارشال بهره‌مند شود و هیچ‌کس دیگر تحت تأثیر قرار نگیرد، نویسنده به بهبود پارتویی^۲ دست یافته است. در واقع، کتاب مارشال بیش از یک تأثیر، و بر بیش از یک نفر یا رشته تأثیر خواهد گذاشت، مخصوصاً به این دلیل که می‌کوشد پلی بین روان‌شناسی سیاسی معاصر و آثار کلاسیک پارتو برقرار نماید و این کار را از طریق هم‌ترازسازی تحلیلی جنبه‌های روان‌شناختی پارتو با ادبیات روانکاوانه و نتایج کارهای تجربی انجام می‌دهد. کاربرد ایده‌های جامعه‌شناختی پارتو روی داده‌های گردآوری شده، شامل نظرسنجی از نمایندگان و اعضای وست‌مینستر، متضمن کار با آزمون روان‌سنجی است - روشی که همه جامعه‌شناسان با آن آشنا نیستند؛ به‌خصوص آنان که بیشتر با سنت تفسیری در جامعه‌شناسی کلاسیک خو گرفته‌اند. بنابراین، کتاب مارشال در مجموع، گفتگوی چالش‌برانگیز با یک متفکر جامعه‌شناسی کلاسیک است که مسائل روش‌شناختی مهمی را پرورانده و نمونه‌ای است برای این که چگونه متون کلاسیک جامعه‌شناسی توسط نسل جدید محققان مطرح شود.

1. Alasdair Marshall

2. Pareto-improvement

با این مجلد، بلندپروازی سلسله بازاندیشی‌های ما در پرداختن به کاری تکمیل می‌گردد که ارزیابی مجدد و توجه به آثار و اندیشه‌های نویسندگان کلاسیک را به همراه دارد؛ نویسندگانی که می‌توان آن‌ها را در تاریخ جامعه‌شناسی نادیده گرفت یا کسانی که از گزند توجهات انتقادی نسبت به آسیب رشته تحصیلی یا تحلیل حوزه‌های خاص تحقیق اساسی در امان مانده‌اند. مجلدات پیشین در سلسله بازاندیشی ما نسبت به جامعه‌شناسی کلاسیک، با موضوع اصلی آثار مارکس، وبر و دورکهایم مرتبط بود - نام‌هایی که عموماً با سنت کلاسیک هم‌بسته بوده و موقعیت آن‌ها نباید زیر سؤال می‌رفت. از این‌رو، خوشحالم که کتاب حاضر میراث پارتو را واکاوی می‌کند.

تمایل دارم این پرسش را بسط دهم که امروزه چه کسی آثار پارتو را مطالعه می‌کند؟ به عبارت دیگر، می‌خواهم بپرسم: چرا باید آثار کلاسیک‌های جامعه‌شناسی را مطالعه کرد؟ نوشته‌های کلاسیک‌های جامعه‌شناسی می‌توانند با اهداف مختلف - بدون شک چه با بی‌میلی و چه از روی شوق و اشتیاق - مطالعه شوند و بنابراین، پاسخ به این سؤال، منحصر به فرد نیست. با توجه به محدودیت فضای نوشتار، صرفاً به ارائه چند رویکرد می‌پردازم. هنوز باید به انتشار مجلدی بپردازیم که مستقیماً با موضوعات روشی مربوط به رویارویی با متون جامعه‌شناسی کلاسیک ارتباط دارد. بنابراین امیدوارم اظهارات من انگیزه‌ای را در دیگران جهت تحقیق در باب این موضوعات مهم روشی در یک اثر مستقل ایجاد نماید. همچنین در ادامه می‌توان «چگونگی؟» و «چرایی؟» مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک را بررسی کرد.

از زمان انتشار رساله جامعه‌شناسی عمومی (۱۹۱۶) که پارتو حدود ۸ سال پیش از مرگ خود نگاشته بود، اثر او در دوره‌های تاریخی مختلف و در ابعاد متنوع، اهمیت شایان توجه در رشته جامعه‌شناسی به‌دست آورده است. برای مثال، مطالعه نخبگان و گردش آن‌ها مرهون کار پارتو بود و هم-چنین مطالعات هورثون^۱ درباره کارگران و تمام آثاری که به دنبال آن شکل گرفت، میراث پارتو هستند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، تالکوت پارسونز در انتشار نظریه کنش/اجتماعی، توجه شایانی به پارتو داشت. بدون شک می‌توان به این فهرست افزود. شایان ذکر است که یک دلیل مطالعه آثار پارتو به‌عنوان یک جامعه‌شناس کلاسیک این است که پیشرفت‌های اخیر در جامعه‌شناسی، بدون شناخت آثار پارتو امکان‌پذیر نیست و اگر قرار باشد این کاربردها آگاهانه شود - علی‌رغم آغاز به کارهای درست یا نادرست - باید آثار پارتو را درک کرد. در این جا مطالعه آثار کلاسیک‌های جامعه‌شناسی به این نحو توجیه می‌شود که عرصه جامعه‌شناسی کلاسیک را به تاریخ این رشته نزدیک می‌کند؛ اما باید توجه داشت که تاریخچه مذکور، «نتیجه نهایی» نظری و عملی به همراه دارد.

دلیل دیگر لزوم توجه به جامعه‌شناسی کلاسیک، تداوم و پیوستگی در نوع سؤالاتی است که به‌طور طبیعی در انگاره‌های جامعه‌شناختی^۲ مطرح می‌شوند. هرچند واضح است جوامع نسبت به دوران قلم‌فرسایی نویسندگان کلاسیک تغییر کرده - و اغلب، به واسطه تضاد بین دنیایی که آنان تجزیه و تحلیل کرده و دنیایی که ما آن را تحلیل می‌کنیم، از تغییرات مذکور آگاهیم - و افق‌های فکری آنان و ما

1. Hawthorne studies

2. Apposite

به سختی می‌تواند به‌طور تصادفی با هم برخورد کنند، هنوز یک پیوستگی در مسائل جامعه‌شناختی رفتار بشری و طبیعت جوامع وجود دارد که به فراسوی چنین شرایط خاصی کشیده می‌شود. حتی در دنیای پسااسکولار، پس‌انگ سرد و هسته‌ای که مشکلات اجتماعی و چالش‌های فرهنگی آن شامل گرم‌شدن زمین، ایدز، انقلاب دیجیتال، جهانی‌شدن و غیره می‌شود، دل‌مشغولی‌های مرکزی انگاره‌های جامعه‌شناسی به برقراری ارتباط بین ما و جامعه‌شناسان کلاسیک کمک می‌نماید. نباید فراموش کرد که نویسندگان کلاسیک به اندازه کافی شاهد بلایای طبیعی، آلودگی‌ها و بیماری‌های فراگیر، جنگ‌ها و فقر گسترده، مرگ، قتل و بی‌رحمی بودند تا بتوانند از طبیعت جوامع بشری آگاهی یابند. بنابراین ما هیچ انحصاری بر مشاهده و مطالعه این مجموعه از تجربیات نداشته و در بسیاری از موارد نیز ممکن است در برابر آن‌ها مصونیت بیشتری داشته باشیم. از این‌رو، جامعه‌شناسان کلاسیک به‌واسطه کمک عمیق به تأمل در باب چنین مسائل بسیار مفهومی، مورد تحقیق قرار می‌گیرند. تحقیق مذکور می‌تواند در راستای پرسش پیرامون مسائل عقلانیت یا عدم عقلانیت رفتار بشری، علل تغییرات، نظم و ثبات اجتماعی، انواع نابرابری‌های مستمر و ماهیت قدرت و کنترل منابع باشد. همه این مسائل بین گذشته و حال مشترک هستند و نهایتاً دلیلی وجود ندارد که اندیشه‌های کلاسیک پیرامون این موضوعات مفهومی، کم‌عمق باشد. پس اندیشه جامعه‌شناسان کلاسیک، به دلیل پیوستگی مسائل بغرنج مفهومی، برای مطالعه و تحقیق به‌کار گرفته می‌شوند. اندیشه پارتو و دل‌مشغولی او درباره توضیح مبنای غیرمنطقی رفتار اجتماعی و تمایل او به تعیین مبادی غیرعقلانی توجیهات عقلانی و ایدئولوژیک، نمونه‌ای از پاسخ به پرسش متداول پیرامون عدم عقلانیت کنش اجتماعی است.

در موارد دیگر، وضع تا حدودی معکوس می‌گردد به‌عنوان مثال، شرایط معاصر در اشکال افراطی‌تر خود نسبت به موارد پیشین، حاکی از موقعیت‌های اجتماعی بسیاری می‌باشد که نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی به‌طور بدیع، گرچه اغلب به‌صورت پیش‌بینی، آن‌ها را مورد بحث قرار داده است. مثلاً، چنین وضعی را می‌توان در مورد اندیشه وبر یافت که مطابق آن، کاریزما شکل مسلط مشروعیت سیاسی در دولت‌هایی می‌باشد که ارزش‌ها و هنجارهای عقلانی - قانونی سابقاً حاکم بودند؛ مارشال، به وضع مشابهی در اثر خود پیرامون پارتو اشاره دارد؛ آن‌جا که به گفته او مخاطره‌های کنونی، هم‌بسته با برنامه‌ریزی سیاسی در جوامع صنعتی پیچیده، ایده‌های منحصربه‌فرد پارتو را به‌طور مناسب و به‌جا نمایش می‌دهند؛ آن ایده‌ها مناسب این عصر هستند. البته، چنین نتیجه‌ای بدون تفسیر نظام سیاسی فعلی یا بدون دانش و معرفت نسبت به جامعه‌شناسی پارتو امکان‌پذیر نیست؛ گفتگو بین این دو شکل دانش، منجر به ظهور سنتزی می‌گردد که پتانسیل نظری دارد. به عبارت دیگر، شرایط اجتماعی در حال تغییر از دوران کلاسیک به عصر حاضر، تأثیری بر ارتباط ایده‌های کلاسیک جامعه‌شناسی با تفسیر جوامع تاریخی ندارد. آن‌چه - مربوط به مطالعه جوامع گذشته و تحلیل جوامع معاصر، تغییر کرده است، دامنه تحقیقات تخصصی و کشف یا تولید حجم وسیع داده‌های نسبی مرتبط با تحقیق است. مطالعه مارشال، تصویر

خوبی از این مطلب ترسیم می‌کند؛ زیرا اندیشه پارتو را در همراهی حجم وسیعی از ادبیات روانکاوانه واکاوی می‌کند که پس از مرگ پارتو مطرح شده‌اند: مارشال، نظریات روان‌شناختی پارتو را در بسیاری از موارد، در پرتو تصویر متقابل، به زبان معاصر ترجمه می‌کند. به عبارت دیگر، چنان‌که در ادامه به این موضوع باز خواهیم گشت، دقیقاً به این دلیل، نیاز به دستیابی معرفت جدید نسبت به کلاسیک‌های جامعه‌شناسی هست که بسیاری از این طنین‌ها را بدون دانش گسترده به کلاسیک‌های جامعه‌شناسی، نه می‌توان پیش‌بینی و نه می‌توان درک نمود. بنابراین، دلیل دیگر مطالعه آثار جامعه‌شناسان کلاسیک دقیقاً این است که گمان می‌رود اندیشه‌های آنان با دنیای ما در ارتباط است یا به واسطه روش‌های جدید می‌باشد.

به هر حال، درجات درک دنیاهای خود و همسانی و ناهمسانی آن نسبت به دنیاهای جامعه‌شناسان کلاسیک - مثال‌های روشنی برای عدم همسانی آن‌ها وجود دارد - از عصری به عصر دیگر و از موضوعی به موضوع دیگر تغییر می‌کند اما در مجموع، آن‌گاه که ماهیت مدرنیته و ریشه‌ها و آینده آن هنوز مشخصه آشکار مطالعه جامعه‌شناسی باشد پس جامعه‌شناسان کلاسیک، علی‌رغم دوره‌های تاریخی خاص خود، هنوز معاصران ما به حساب می‌آیند. بنابراین ما آثار و اندیشه‌های کلاسیک‌های جامعه‌شناسی را به این دلیل می‌خوانیم که به فرایندهای اجتماعی مشابه در رابطه با مدرنیته می‌پردازند که ما به ارث برده‌ایم.

یکی از دلایلی که می‌توان جهت مطالعه نکردن آثار کلاسیک‌های جامعه‌شناسی اقامه نمود، مربوط به محدودیت منابع می‌باشد، لکن این محدودیت اغلب بعدی معنوی^۱ دارد تا تجربی؛ به این معنا که جامعه‌شناسان کلاسیک ظاهراً با بسیاری از مسائل اجتماعی مورد توجه ما سروکار نداشتند. قابل‌توجه‌تر این‌که گمان می‌رود مسائل مذکور در ارتباط با قومیت و نژاد و مهم‌تر از همه در ارتباط با جنسیت می‌باشد. با وجود این در پرتو انتقاد مقبول مزبور معتقدم که گستره‌ای وسیع جهت حفظ تعامل با آثار و اندیشه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک وجود دارد. دو استدلال برای اثبات این اعتقاد دارم: اولاً، یادگیری چرایی و چگونگی محدودیت یک دیدگاه جامعه‌شناختی نباید موجب تحلیل برتری ما نسبت به کلاسیک‌ها به واسطه بینش بیشتر ما در برابر آنان گردد؛ زیرا این امر تا اندازه‌ای در گرو اقبال و تقدیر است و در آینده، زمانی معلوم می‌شود که چگونه بینش ما از واقعیت اجتماعی و آنچه در بررسی‌های ما مهم تلقی می‌شد، محدود و متعصبانه بود. جالب‌تر از همه، اصولاً درک عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر بینش‌ها و محدودیت‌ها است؛ قراردادن جامعه‌شناسی کلاسیک در بستر خود، اجازه می‌دهد تا دربابیم چگونه گفتمان جامعه‌شناسی در یک بستر تولید می‌شود و خارج از واقعیات اجتماعی وجود ندارد که برای توضیح سایر پدیده‌ها از نیروهای اجتماعی به‌کار گرفته مصون باشد. بنابراین تنها مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک در ارتباط با تاریخچه این رشته علمی است که می‌تواند برای ممارست در مطالعه جامعه‌شناسی سودمند باشد.

استدلال دوم به یافته واقعی مربوط می‌شود. چنان‌که در سطور فوق اشاره شد، پیوستگی مطالعات جدید با انگاره‌های جامعه‌شناسی کلاسیک فراتر از آن است که در ابتدا پیش‌بینی می‌شد. مطمئناً، آن‌چه منجر به ایجاد آن دسته از اشکال نابرابری و تنوعی می‌شود که ظهور و استمرار تقسیمات اجتماعی را به همراه دارد ممکن است دربرگیرنده طیف وسیع‌تری از آن‌چه گردد که نویسندگان کلاسیک با آن مواجه بودند. بدون شک، در دل مشغولی نسبت به نابرابری و قشربندی در تمام متون کلاسیک تداوم وجود دارد. در این میان، تجلیات خاص آن چیز، تغییر نموده است. هرچند وقتی نسبت به تجلیات معاصر این پدیده‌ها به ما هشدار داده می‌شود، ممکن است ردپای آن‌ها را در آثار کلاسیک یافت. به‌عنوان مثال، نوشته‌های هربرت اسپنسر پیرامون کودکان، آموزش، تربیت کودک یا درباره ماهیت ناتوانی و ناشایستگی‌ها، دلمشغولی‌های کلاسیک را به مسائل معاصر پیوند می‌زند. پیوستگی و تداوم مورد نظر همچنین می‌تواند به‌واسطه کشف صداهای سایر متفکران کلاسیک آشکار گردد که سابقاً به‌واسطه محدودیت‌های اولیه در پذیرش آن‌ها شنیده نشده است: در این میان، آثار دوبوا^۱ و مهم‌تر، شارلوت پرکین گیلمان^۲ و جین ادامز^۳ به ذهن خطور می‌کند.

همچنین به‌واسطه سوابق دریافت و پذیرش بخشی از ایده‌ها و نوشته‌های مذکور، مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک حائز اهمیت است. بر حسب ماهیت قضیه و در وضعیتی که دیدگاه‌ها و بینش‌های جامعه‌شناختی کلاسیک و غیر آن، اغلب دچار محدودیت هستند، سوابق اخذ ایده‌های کلاسیک در گذشته اغلب بازتاب‌دهنده دل‌مشغولی‌های بستر و زمینه بوده و بیش از اثر مورد تفسیر، درباره مفسر به ما اطلاع می‌دهد. به‌عنوان مثال، در اوایل دهه ۱۹۳۰ در دانشگاه هاروارد در شرایط محیطی خاص و در پرتو سوالات و دستورکارهای مشخص، تلاش خوبی جهت درک جامعه‌شناختی پارتو صورت گرفت. فضای مذکور بر تلاش مطالعاتی پارسونز، هومانس^۴ و هاثورن^۵ تأثیر گذاشت. هر نسلی نیاز دارد تا آثار جامعه‌شناسان کلاسیک را واکاوی کند. البته نه صرفاً به این دلیل که دریابد کلاسیک‌ها چگونه درباره شرایط جاری سخن می‌گویند بلکه همچنین با هدف آزاد نمودن خواننده از بند قرائت‌های گاه ظالمانه یا اشتباهی که از سوی خوانندگان جامعه‌شناسی پیشین ارائه می‌شود. اغلب چنین خوانش‌های جدیدی می‌تواند ایده‌های جدیدی را کشف مجدد یا حتی کشف نماید که سابقاً نادیده گرفته شده، رد شده یا کاملاً اشتباه درک شده‌اند. ما نمی‌خواهیم تفسیرهای ما از آثار و اندیشه‌های کلاسیک‌ها به همان شکل از سوی نسل‌های جدید جامعه‌شناسی اخذ گردد و می‌توانیم از طریق تشویق تعامل جدی با اندیشه‌های کلاسیک‌ها از وقوع آن اتفاق جلوگیری کنیم.

بنابراین انتخاب، دقیقاً بین پرداختن به تفسیر دنیای اجتماعی معاصر یا غرق شدن در مطالعه اندیشه کلاسیک‌ها به بهای غفلت از دنیای اجتماعی معاصر نیست. تلاش انحصاری روی هر یک از این

1. Dubois
2. Charlotte Perkins Gilman
3. Jane Addams
4. Homans
5. Hawthorne

کانون‌های مطالعاتی، منجر به نادیده گرفتن اطراف نقطه تمرکز و عدم توجه به کانون دیگر می‌شود. باید به یاد داشت که برخورد هرمنوتیک با هر یک از نقاط تمرکز مذکور به منظور واریسی متعاقب مورد دیگر، آن‌چنان هم راحت نیست. به عبارت دیگر، اگر نقطه عزیمت و هدف واکاوی اندیشه کلاسیک با مطالعه عصر حاضر، فی‌نفسه متفاوت و ناهمسان است، محقق نباید تصور نتایج مشابه بررسی هر کدام را داشته باشد. نکته‌ای که مایلیم در این‌جا اشاره کنیم این است که اگر به اندیشه کلاسیک‌ها صرفاً از چشم‌انداز یورش^۱ به آن‌ها به‌خاطر آن‌چه نگریسته شوند که ممکن است در رابطه با مسأله مورد واریسی محقق به ما بگویند، این فرایند تنها اندکی از تشبیه تحقیق به مثابه تجاوز جنسی^۲ متفاوت می‌باشد که در بسترهای دیگر از سوی محققان فمینیست محکوم شده است. نتیجه این امر، وجود گفتگو و تعامل بسیار اندک بین شرایط کنونی و نظریه‌های کلاسیک بوده و شاید دقیق‌تر این باشد که بگوییم پرداختن به نظریه‌های کلاسیک غیرلازم است. یک خطر حاصل از عدم‌کنکاش در نظریات کلاسیک‌ها، تضعیف ممارست انباشتی جامعه‌شناسی و اختراع دوباره چرخ می‌باشد، چنان‌که اغلب در اندیشه‌ورزی جامعه‌شناختی رخ می‌دهد. بعلاوه، برخورد با اندیشه کلاسیک‌ها می‌تواند منجر به اتمیزه‌سازی منابع و اتخاذ مفاهیم موضوعات خارج از بستر گردد. یک روش بسیار مؤثر برای دستیابی به جامعه‌شناسی وبری یا روان‌شناسی سیاسی پارتویی، جهت بازسازی پروژه طراحی‌شده از سوی نظریه‌پردازان کلاسیک و ادامه کار روی نص^۳ و روح منابع، شروع مطالعه از متون نویسندگان است. در جامعه‌شناسی، اغلب یکی از ترس‌های محققان این است که روح به جای نص، تحقیقات بعدی را بر حسب نام بنیانگذار، هدایت کرده باشد؛ اما حتی این امر، بر یورش و برخورد با آثار کلاسیک ترجیح دارد. با این حال، "برخورد و یورش" به کلاسیک‌ها - علی‌رغم پیامدهای مخرب آن - نسبت به عدم تعامل کامل با آن‌ها به بهانه عدم ارتباط با نگرانی‌های جاری ترجیح دارد.

در پرتو شرایطی که موزه‌ها، مصنوعات گذشته را به نمایش می‌گذارند، این‌که جامعه‌شناسی کلاسیک بخشی از تاریخ جامعه‌شناسی است، بدون شک برای برخی صاحب‌نظران و محققان در حلقه‌های جامعه‌شناختی قابل تأمل می‌باشد؛ زیرا اگر قرار است این مصنوعات گذشته را به‌درستی بازگو کنند، مستلزم حفظ و معرفی آموزشی هستند: آن‌ها بخشی از میراثی هستند که معنای فعلی آن‌ها در عمل توسط خود موزه ارائه شده است (در این مورد، متصدیان موزه همان محققانی هستند که با جامعه‌شناسی کلاسیک سروکار دارند) و تنها از طریق آن می‌توان معناهای تاریخی را جمع‌آوری کرد. با این وجود، چنان‌که متصدیان موزه سرخوستان آمریکا در واشنگتن دی. سی در همان اوایل یاد گرفتند، به دلیل عدم رسمیت و شمولیت بسیاری از سبک و ارتباطات مردمی که هنوز با این سنت‌ها زندگی کرده و علی‌رغم این‌که بخشی از عمل و اعتقاد جاری آنان می‌باشد، هیچ نشانی در موزه برای آن‌ها وجود ندارد، معرفی

تاریخچه قبیله‌ای افراد نادرست می‌باشد. به عبارت دیگر، موزه‌هایی که تعاملی نبوده و همگرایی روندهای حال و گذشته را منعکس نمی‌نماید، ناموفق خواهند بود.

یک شرح دقیق‌تر از آنچه می‌توان امید داشت و در بسیاری از موارد نیز اتفاق می‌افتد، این است که با تأکید بر مفهوم حراست^۱، مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک همچون موزه‌های تعاملی عمل نماید که مصنوعات در آن، تحت هر شرایطی جای داده نمی‌شود. به بیان دیگر، بین جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر، تمایز عملی و کاربردی وجود ندارد. در این‌جا موزه‌هایی برای جامعه‌شناسان کلاسیک علاقمند به مدرنیته وجود ندارد؛ در عوض، به دنبال غوطه‌وری ابتدایی در جامعه‌شناسی کلاسیک، مفاهیم، نظریه‌ها و چشم‌اندازهای کلاسیک، بخشی از انگاره جامعه‌شناختی محقق می‌شود و تقریباً به مثابه ویژگی دوم، هنگام تأمل جامعه‌شناختی، نیاز اندکی به بازاندیشی روش‌شناختی عمیق پیرامون چگونگی بهره‌گیری از اندیشه کلاسیک‌ها وجود دارد و اندیشه کلاسیک‌ها در مواجهه با شرایط و استدلالات نظری جدید پیوسته دچار بازنگری می‌شود.

ممارست در بازنگری اندیشه کلاسیک‌ها در چنین سناریویی، در صورتی که بتوان اندیشه کلاسیک‌ها را به شکل اقلایی درآورد که در موزه نگهداری می‌شوند، محدود به انگیزه‌های "زنده" نگاه‌داشتن کلاسیک‌ها نمی‌شود بلکه بازنگری مذکور همچنان که مدرنیته با اشکال جدید، خواه نسخه‌های متأخر، متعال و رادیکال، خواه پسا-مدرنیته روبه‌رو می‌گردد. ارزیابی مجدد، پردازش اندیشه کلاسیک‌ها را نیز دربر می‌گیرد. در این حالت، حتی زمانی که جامعه‌شناس دریابد سنت مطالعات کلاسیک قادر به بیان پیکربندی‌های جدید اجتماعی نمی‌باشد، شکل «جدید» نظریه‌پردازی، اغلب خود را جهت تأکید بر چگونگی «جدید» بودن نظریه‌سازی معاصر و نیز چگونگی «مقاومت» بودن شرایط معاصر در ارتباط با سنت مطالعات کلاسیک قرار می‌دهد: اگر طبقه، دیگر یک متغیر توضیحی نبود یا اگر مفهوم جامعه نیاز به جایگزین شدن با استدلالات نظری «فراتر از جامعه» دارد و اگر تجربیات درباره مخاطره‌ها، پویایی‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیک بسیار فراتر از افق‌های فکری، حتی از تصورات نویسندگان کلاسیک است، تحلیل‌های جدید اغلب چنین تحولات دراماتیکی را به شکل قانع‌کننده بر حسب خط سیرهایی توضیح می‌دهد که نقطه عزیمت آن‌ها بهره‌گیری از اندیشه کلاسیک‌ها است. به عبارت دیگر، اگر یک دلیل مطالعه آثار کلاسیک‌ها نشان دادن موقعیت‌هایی است که دیگر سودمند نیست، اثبات این دلیل، تنها از طریق اشاره دقیق، تاریخی و مفصل به خود این روایات سنتی به‌دست می‌آید و البته خود این دست-یابی، ارزشمند است.

روش دیگری نیز جهت درک نقش جامعه‌شناسی کلاسیک در مطالعات جامعه‌شناسی و نیز توجیه مطالعه آثار جامعه‌شناسان کلاسیک وجود دارد، روشی که ممکن است در شرایطی ارائه شود که طی آن، تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی معاصر بر پایه سنت کلاسیک به صورتی بنا نمی‌گردد که در سطور فوق شرح داده شد. این روش درک نقش جامعه‌شناسی کلاسیک و مطالعات اندیشه کلاسیک‌ها همچنین

می‌تواند در شرایطی به کار رود که در آن حتی محققان فوق‌الذکر، دانش یا وقت کافی جهت مطالعه طیف وسیع آثار جامعه‌شناسی کلاسیک را ندارند که هنوز به دلایل مختلف در مطالعات آن‌ها حضور می‌یابد. قیاسی که من در نظر دارم آن دسته از جامعه‌شناسانی که خود را درگیر نوشته‌ها، اندیشه‌ها و میراث جامعه‌شناسی کلاسیک نموده‌اند همچون محافظان نوشته‌ها به حساب می‌آورد؛ متولیان انتقال متون که موقعیت سروش‌مانند^۱ آن‌ها تنها زمانی دوباره احیا می‌شود که یک مسافر غریب و تنها، مسافت دشواری را به سمت صومعه‌ای طی می‌کند که عقاید و سنت‌ها در آن زنده نگاه داشته شده و توسط کاتبان فاضلی مورد مشورت قرار می‌گیرند که پیوسته در دفترخانه مشغول کار هستند. متون توسط نگهبانان شعله برای لحظات بسیاری زنده نگاه داشته می‌شوند؛ لحظاتی که رویدادهای دنیای بیرون در آن منجر به مسافرت آن‌هایی می‌گردد که آرزوی سفر دارند؛ مسافرانی که شنیده‌اند ممکن است در متون گذشته به مسیر یا ارتباطی دست یابند یا حداقل برای چنین چیزی امیدوار باشند. اگر متولیان، کار خود را انجام نمی‌دادند یا اصلاً هیچ‌کاری نداشتند، سنت‌ها زوال می‌یافت. آن‌چه گفتیم که متون کلاسیک همیشه در لحظه، سخن نمی‌گویند و بخشی از مهارت، توانایی طرح پرسش‌های مناسب است، بر نقش متولیان دلالت دارد. البته واجب است «متولیان» خودگمارده^۲ سنت‌های کلاسیک، چشم خود را به روی تمام آن‌چه در جهان و دنیای جامعه‌شناسی رخ می‌دهد، جهت حفظ آمادگی برای هنگامی که طرف مشورت قرار می‌گیرند، باز نگاه دارند؛ بعلاوه، واجب است متولیان خودگمارده، قلمرو محدود خود را در طول زمان، ترک نموده و تعهد مشتاقانه دیگران را به پروژه‌های دیگری دوباره آن‌چه کلاسیک‌ها جهت ترفیع خود باید انجام داده و ارائه دهند، در ذهن داشته باشند.

البته وضعیت، کاملاً به آن صورت که در بالا ترسیم نمودم، قطب‌بندی نبوده و قیاس‌ها نباید به حد زیادی فشرده باشند؛ گزینه‌ها مربوط به دو سوی تثبیت معاصر یا گذشته نیستند. در عوض، یک کار کیفی در جامعه‌شناسی که نسبت به میراث کلاسیک آگاه بوده اما درگیر تجزیه و تحلیل شرایط معاصر یا جوامع تاریخی است به احتمال زیاد هم مستلزم میزانی از تعادل بین قطب‌هایی می‌باشد که معرفی کردم و هم به‌طور دیالکتیک، با دانش به نظریه، روش و تجزیه و تحلیل ماهوی گذشته از یکسو، و البته با آگاهی نسبت به فرایندها و رویدادهای معاصر از سوی دیگر به‌پیش می‌رود؛ فرایندها و رویدادهایی که خود به‌واسطه مطالعات جامعه‌شناسی و اقتباس از صورت‌بندی‌های اولیه درک می‌شوند. اغلب دل-مشغولی‌های هرمنوتیک تفسیر متون گذشته، با استفاده از استعاره پل، برای مثال، برقراری پل میان افق‌های فکری، مورد بحث قرار می‌گیرد. من خودم از این استعاره بهره بردم. به نظر من استعاره آن‌گاه مفید است که احتیاط لازم را جهت برخورد با متون حاصل از زمان و زبان و فرهنگی متفاوت با دوران ما را به ارمغان بیاورد. اگرچه، می‌خواهم درباره استعاره پل‌زدن بین افق‌های فکری دنیای کلاسیک‌ها و معاصر هشدار دهم؛ آن‌جا که بیانگر شکاف گسترده بین ممارست‌های جامعه‌شناسی گذشته و حال است. یادآوری این نکته مهم است که استفاده از استعاره پل‌بستن جهت بازتاب فاصله هرمنوتیک بین متون

1. oracle like status

2. self-appointed

کلاسیک و شرایط معاصر می‌تواند به‌خودی خود حاکی از بیگانه و غریبه بودن اندیشه کلاسیک‌ها باشد. در حقیقت، می‌توان گفت: استعاره جایگزین میدانی که محقق در آن می‌تواند در نقاط خاصی گام بردارد اما تمام جامعه‌شناسان گذشته و حال به‌طور سحرآمیزی بر فراز آن گردش کنند، ممکن است به‌طور دقیق‌تری مجموعه اهداف تمام جامعه‌شناسان کلاسیک یا غیر آن را منعکس نماید.

به این ترتیب، تمثیل کاتبان دفترخانه صومعه جامعه‌شناسی که از آثار مقدس^۱ جامعه‌شناسی محافظت می‌کنند به‌طور حتم یک نوآوری ادیبانی من جهت شرح یک کارکرد ممکن برای جامعه‌شناسی کلاسیک است اما این تصویرسازی نیز حاکی از فاصله‌ای عظیم بین جامعه‌شناسی کلاسیک و ممارست‌های جاری می‌باشد: شاید زمانی کارکرد فوق مورد تأکید قرار گیرد که مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک دیگر از سوی محققان حمایت نمی‌شود. خوشبختانه، در فضای فعلی، حداقل در بسیاری از زوایای روشن‌شده جامعه‌شناسی، این حالت بعید است. این فضا می‌تواند تا بلندمدت ادامه داشته باشد.

بنابراین، دلایل خوبی برای مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک وجود دارد. درگیر شدن در مطالعه جامعه‌شناسی کلاسیک، گزینه‌ای آسان یا گزینه‌ای آسان‌تر از دیگر انواع کارهای طاقت‌فرسای جامعه‌شناسانه نیست: بر عکس، به دلیل نیاز به درک صحیح متون گذشته، دل‌مشغولی‌های معاصر و بدون غفلت از سوابق دریافت و پذیرش این متون که در پی برقراری ارتباط گذشته و حال بوده - لکن در حقیقت منجر به آشکارسازی انواع مختلف گسست می‌شود - این کار حتی طاقت‌فرساتر است. یکی از جدی‌ترین پردازش‌های متن و متفکر کلاسیک در کتاب مارشال، پیرامون مطالعه پارتو و دلالت‌های جامعه‌شناختی آن بر روان‌شناسی سیاسی و تحلیل سیاست معاصر پدیدار می‌گردد.

پروفسور دیوید چالکرافت^۲

کامبریا^۳، ۲۰۰۷

1. sacred

2. Professor David Chalcraft

3. Cumbria